



سید حسین موسویان: روحانی مرد سیاست های رادیکال گونه نیست/دولت روحانی برای مذاکراتی منصفانه و متوازن مهیاست

تاریخ: ۲۵ تیر ۱۳۹۲ - ۱۳:۱۲

کد خبر: ۱۳۱۰۸۶

عصر ایران: روزنامه وال استریت ژورنال در شماره 13 جولای خود اعلام کرد که دولت اوباما به برقراری کانالی برای ارتباط و مذاکره مستقیم با ایران می اندیشد، اما باید منتظر ماند و دید که امریکا برای رسیدن به توافقی دوجانبه و قابل قبول تا چه اندازه حاضر به امتیازدهی به ایران است و آیا ایران این مساله را قبول خواهد کرد یا خیر؟

نخست وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاھو، که در دو دهه گذشته همواره داعیه دار بحث نزدیک شدن ایران به مرحله ساخت بمب هسته ای بوده در چند روز پس از پیروزی روحانی بارها و بارها به اشکال و زبان های مختلف خواهان افزایش فشارهای امریکا بر ایران به بهانه پرونده هسته ای آن شده است. واشنگتن نیز در طول این مدت به کرات به تل آویو نشین ها اطمینان خاطر داده که پیروزی روحانی تاثیری بر عزم امریکا برای ممانعت از دستیابی ایران به تسلیحات هسته ای نخواهد گذاشت.

به گفته حسین موسویان سخنگوی سابق تیم مذاکره کننده هسته ای ایران و مردی که سابقه کار نزدیک با حسن روحانی را در پرونده کاری خود دارد، با عدم تعدیل سیاست های امریکا در مواجهه با ایران در پرونده ای هسته ای نمی توان از تهران انتظار همکاری های شایان داشت.

«آی پی اس» در گفتگویی با حسین موسویان رویکرد احتمالی دولت جدید در ایران در پرونده هسته ای را مورد بحث و بررسی قرار داده است:

* یک ماه پیش از پیروزی روحانی در انتخابات ریاست جمهوری ایران، در مقاله ای عنوان کردید که خروج از ان پی تی یکی از گزینه های پیش روی ایران در مذاکرات هسته ای است. آیا ایران به طور جدی به این گزینه فکر می کند؟

در آن مقاله هم تاکید کردم که بهترین و مناسب ترین گزینه مدنظر تهران جهت برون رفت از بن بست در مذاکرات هسته ای همان راهکار صلح آمیز است. من در همان مقاله هم به توضیح 5 درخواست غرب از ایران و دو مطالبه تهران پرداختم.

ایران دو درخواست مشخص از گروه 5+1 دارد: لغو تحریم ها و به رسمیت شناختن حق غنی سازی اورانیوم مطابق با مفاد ان پی تی .

در همان مقاله هم پیشنهاد کردم که ایران و غرب باید مطالبه های خود از یکدیگر را در قالب یک "بسته صلح" مکتوب کرده و در پروسه ای گام به گام به یکایک آنها پاسخ دهند.

خروج از ان پی تی هیچ گاه نیت و هدف نهایی تهران نبوده است. امریکا و اسرائیل همواره از وجود تمام گزینه ها بر روی میز سخن می گویند و حتی از احتمال حمله به تاسیسات هسته ای ایران نیز بارها و بارها حرف زده اند.

این استراتژی مغایر با قوانین سازمان ملل ، ان پی تی و معاهده منع تکثیر است. بر اساس این مفاد یک کشور دارای قدرت هسته ای که اینجا منظور امریکا و رژیم اسرائیل است نباید کشور فاقد این تکنولوژی را تهدید به حمله کند.

زمانی که امریکا و اسرائیل از حق خود برای روی میز گذاشتن تمام گزینه ها سخن می گویند، ایران نیز به عنوان یک کشور مستقل حق دارد از در نظر گرفتن تمامی گزینه ها سخن بگوید.



* دولت اوپاما ادعا می کند که ایران به پیشنهاد اعتمادسازی که در "الماتی" از سوی غرب مطرح شده پاسخ نداده است. دلیل این عدم پاسخگویی ایران چیست و آیا احتمال دارد که تهران پس از مراسم تحلیف روحانی پاسخ مشخص و رسمی به این پیشنهادها بدهد؟

غرب در الماتی در ازای طرح درخواست های حداکثری، مشوق ها و امتیازهای حداقلی برای ایران را مطرح کرد. دولت روحانی برای مذاکراتی منصفانه و متوازن مهیا است. در این مذاکرات باید درخواست ها و مطالبه های هر دو طرف بر مبنای مفاد ان پی تی باشد. این مطالبه ها باید در یک بسته مطرح شده و گام به گام به تمام آنها پاسخ داده شود.

* آیا پذیرفتن حق غنی سازی تهران پیش شرطی برای این مذاکرات است؟

این مساله نیز بخشی از مسائلی است که در بسته ای که قید کردم گنجانده خواهد شد.

* چهره هایی در کنگره امریکا خواهان تشدید تحریم های ایران پیش از تحلیف روحانی هستند. تاثیر این رویکرد بر مذاکرات را چگونه پیش بینی می کنید؟

ایران تا زمانی که امریکا به سیاست تشدید تحریم ها و اعمال فشار بر تهران ادامه می دهد به مذاکره مستقیم و حتی تعامل با واشنگتن فکر نخواهد کرد. اگر نزدیکی و تعامل با تهران به معنای تمام کلمه هدف مد نظر واشنگتن است باید این نیت را به عمل تبدیل کند. معیار ایرانی ها در محک زدن امریکا کردار و نه تنها گفتار زیبا است.

* در داخل ایران شاهد دو دستگی در بحث مواجهه با غرب در پرونده هسته ای هستیم. عده ای خواهان مقاومت و برخی طرفدار انعطاف پذیری در مذاکرات هستند. تاثیر تحریم ها بر این دو دستگی تا چه اندازه ای است؟

در داخل ایران دو نوع رویکرد در قبال نحوه مذاکره با غرب بر سر پرونده هسته ای وجود دارد اما تاکید بر حق ایران برای برخورداری از انرژی صلح آمیز هسته ای که غنی سازی اورانیوم را هم شامل می شود وجه مشترک اعتقادی در هر دو گروه است.

در جریان گفتگوهای هسته ای میان ایران و غرب در فاصله سالهای 2003 و 2005 و زمانی که من نیز عضو تیم مذاکره کننده هسته ای بودم؛ تهران برای برون رفت پرونده هسته ای از بن بست همکاری های گسترده ای با غرب داشت. ایران با پذیرش پروتکل الحاقی بسیار بیشتر از یک عضو رسمی ان پی تی با غرب کنار آمد. در همان زمان هم تاکید کردیم که ایران می تواند به غرب برای زمان نامعینی در راستای برداشتن گام های اعتماد ساز ضمانت بدهد.

متأسفانه در آن زمان به دلیل ممانعت امریکا از پذیرش حق ایران مطابق با ان پی تی، تهران و غرب نتوانستند

به توافق برسند. انعطاف ناپذیری امریکا در آن مرحله بهانه ای برای تندروی افرادی شد که در داخل ایران به سیاست های رادیکال تر هسته ای در قبال غرب اعتقاد داشتند.

سیاست اعمال تحریم تنها برای بازی دو سر باخت سودمند است. مردم ایران از تحریم ها متضرر شده اند و در مقابل غرب نیز با افزایش ذخیره های اورانیومی ایران روبه رو است. با افزایش تحریم ها ایران تعداد سانتریفیوژهای خود را از 3 به 12 هزار رسانده و میزان غنی سازی این کشور نیز از سه و نیم درصد به 20 % رسیده است.

* آقای روحانی در نخستین کنفرانس مطبوعاتی خود اسرائیل را اسرائیل گفته و از به کار بردن نام دیگری برای آن حذر کرد. آیا می توان این موضع گیری را به رویکرد جدیدی در سیاست خارجی ایران تعبیر کرد؟ آیا این اظهارنظر معنای خاصی دارد؟

روحانی مرد سیاست های رادیکال گونه نیست. او مودب و منطقی بوده و برای نرم ها و فواین بین المللی احترام قابل است. کلید پایان دادن به تنش میان ایران و غرب به این بستگی دارد که آیا سیاست های غرب در تشدید فشار، تحریم، تهدید و تحقیر ایران جای خود را به احترام متقابل و همکاری با دولت روحانی خواهد داد یا خیر؟

* به نظر شما چه مسائلی باعث رد طرح تبادل سوخت در سال 2009 و پشت کردن ایران به طرح مورد حمایت ترکیه و برزیل در 2010 شد؟

تهران هیچ گاه طرح تبادل سوخت مطرح شده در 2009 را رد نکرد. ایران خواهان تبادل همزمان سوخت با اورانیوم غنی سازی شده بود. اما غرب خواهان تحویل گرفتن سریع اورانیوم های غنی سازی شده ایران و اعطای سوخت به تهران در بازه زمانی دو ساله بود.

با این همه در دسامبر 2009 ایران خواهان گفتگوی مستقیم با آمریکا با میانجی گری محمد البرادعی شد. در آن زمان ایران موافق بود که اورانیوم غنی سازی شده خود را تحویل داده و میل های سوخت را دو سال بعد دریافت کند. این امتیازدهی از سوی ایران گامی برای گفتگوی مستقیم با آمریکا بود. با این همه امریکایی ها این پیشنهاد را رد کردند.

پس از آنکه ایران توافقنامه را با ترکیه و برزیل امضا کرد باز هم این آمریکا بود که نه تنها از این توافقنامه حمایت نکرد بلکه به تشدید تحریم ها هم روی آورد.

* چرا غرب باید به ایرانی که سالها برنامه هسته ای خود را حتی به اذعان البرادعی پنهان کرده، اطمینان کند؟

در 1975 ، آلمان با امضای قراردادی وعده ساخت نیروگاه بوشهر را به ایران داد. ایران بهای این قرارداد را پرداخت کرده و قریب به 90 درصد کار نیز تمام شده بود. تاریخ به 1979 رسید و انقلاب جمهوری اسلامی. اندکی پس از انقلاب سیاست غرب در قبال برنامه هسته ای ایران تغییر کرده و آنها خط مشی محروم کردن ایران از تکنولوژی صلح آمیز هسته ای را توشه راه کردند. رویکردی که نقض صریح آن پی تی بود.

در 1976 فرانسه در قراردادی 1 میلیارد دلاری متعهد شد که سوخت مورد نیاز نیروگاه بوشهر را در خاک فرانسه تولید و به ایران منتقل کند. دوباره پس از انقلاب ایران ، غرب حق ایران برای دستیابی به بازار جهانی سوخت را نادیده گرفت.

این سیاست های غرب بود که ایران را به سمت خودکفایی در تکنولوژی هسته ای پیش برد. علاوه بر این در جریان جنگ تحمیلی میان ایران و عراق این غرب بود که مواد لازم برای حمله شیمیایی صدام حسین به ایران را در اختیار رژیم صدام قرار داد. با چنین تاریخی آیا ایران می تواند به غرب اطمینان داشته باشد؟